

گزارش اختصاصی هفت صبح از سر نوشت رایتل؛ میان بدهی و بده‌بستان

ایراتور سوم پشت پرده معامله

رایتل در میانه بدهی‌های انباشته و وعده‌های سوخته، روی میز چانه‌زنی میان تامین اجتماعی و بانک رفاه است

صفحه ۲



بحران آب با فرهنگ امیدبخش دیرینه‌اش حل می‌شود

امید؛ هویت گمشده آب

نمایشگاه «تشنگی» در لندن شبکه آبی ایران باستان را

نمادی از امید و تمدن می‌داند

صفحه ۵

گفت‌وگو با جنجالی‌ترین پر سپولسی؛

مردی از قلب دهه ۶۰

قلیچ: سایننتو خیلی شبیه علی پروین است

صفحه ۷



واکاوی روابط رو به رشد چین و طالبان و نگرانی‌های غرب

آفتاب شرق در حکومت

طالبان طلوع می‌کند

سفیر چین از ایجاد دهلیز اقتصادی و ساخت جاده واخان
در بدخشان خبر داده است

صفحه ۳

شمارش معکوس برای قصاص خانم دانشجوی دکترای
و همدستش به اتهام قتل همسرش

متهمان قتل مدیر ارشد

شهرداری در ایستگاه مجازات

صفحه ۶

گزارش میدانی از قیمت نان در چهار گوشه تهران؛
از تجریش تا یافت آباد

نان هم طبقاتی شد

اختلاف قیمت نان در مناطق گوناگون تهران
ناشی از نبود نظارت دقیق و وجود دو گانگی در
نظام توزیع آرد یارانه‌ای و آزاد است

صفحه ۶



سر مقاله

تصمیم دولت در پی ناترازی آب و برق و افزایش فشار مصرف

تدبیر لازم نیست، تعطیل می‌کنیم

.... کاری نمی‌کنند، چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق را بی‌رویه مجوز می‌دهند، صنایع آب‌بر را در خشک‌ترین استان‌ها توسعه می‌دهند، سدسازی‌های بی‌منطق را ادامه می‌دهند، اما در نهایت، تقصیر بحران آب و باقی بحران‌ها را به گردن مردم می‌اندازند و آب آشامیدنی آن‌ها را سهمیه‌بندی می‌کنند.

وزیر نیرو به‌تازگی با ادبیاتی ملایم اما طلبکارانه گفته است: «آب نیست و چاره‌ای نداریم.» سال گذشته هم همین وزیر قول داده بود که بحران برق را تا سال آینده حل می‌کند.

پزشکیان، رئیس‌جمهور وقت، به پشتوانه همین وعده‌ها از مردم خواست با دو ساعت خاموشی کنار بیایند، اما نه تنها مشکل حل نشد، بلکه خود او به اشتباه بودن محاسبات وزیرش اذعان کرد.

حالا همان حلقه تکراری ادامه دارد: قطع برق، قطع آب، اعلام وضعیت بحرانی و در نهایت یک

عذرخواهی محترمانه» در لایه‌ای از «همینه که هست» بی‌هیچ مسئولیت‌پذیری حقوقی یا سیاسی.

در شرایطی که شهرهایی چون مشهد، اصفهان، بندرعباس و تهران در صدر بحران آبی قرار دارند، دولت حتی نتوانسته برای مدیریت منابع آب در سطح بین‌حوزه‌ای یک نظام پایدار طراحی کند. همچنان کشاورزی پر مصرف در مناطق کم‌آب توسعه می‌یابد، صنایع فولاد و پتروشیمی در دل کویر ایجاد می‌شوند و حق آب به زیست‌محیطی رودخانه‌ها و تالاب‌ها نادیده گرفته می‌شود. اما آب شرب اولین چیزی ست که از خانه‌ها حذف می‌شود. به عبارتی دیگر، اصلاحات همیشه‌از «سفره مردم» آغاز می‌شود نه از ساختارهای ناکارآمد.

دولت‌ها، به‌جای آن که برای تاب‌آوری شهری برابر بحران اقلیمی برنامه‌ریزی کنند، برای مردم نسخته تعطیلی و سکوت می‌پیچند. گویی کار دولت فقط «اطلاع‌رسانی برای تحمل شرایط و نه تغییر شرایط است. سیاست‌گذاری اقلیمی نداریم و این وضعیت فقط شامل این دولت نیست، در ادوار گوناگون همین

شرایط حکمرانی حاکم بوده است. در واقع در اغلب دولت‌ها با «انفعال سازمان‌یافته» و برابر مشکلات تغییر اقلیم، خشکسالی و ناترازی روبه‌رویم. انفعالی که خود را پشت کلمات فریبنده‌ای مانند «مدیریت مصرف»، «صرفه‌جویی ملی» یا «همراهی با دولت» پنهان می‌کند.

مقابله واقعی با بحران اقلیم از بالاترین سطوح یعنی از بازنگری در سیاست‌های توسعه‌ای، از تخصیص منابع، از شیوه کشاورزی و تولید صنعتی و از توزیع منصفانه منابع حیاتی آغاز می‌شود در غیراین صورت تداوم این روند به عمیق‌تر شدن بحران می‌انجامد.

وقتی گرما شدید می‌شود، دولت اعلام تعطیلی می‌کند، وقتی مصرف آب بالا می‌رود، فشار آب را پایین می‌آورد، وقتی برق کم می‌آید، خاموشی‌های چند ساعته به مردم تحمیل می‌شود، هوا آلوده می‌شود، تعطیل می‌کند، ترافیک سنگین می‌شود مسیر را یکطرفه می‌کند و این الگوی تکرار شونده‌ای است که در سال‌های اخیر به شکلی نگران‌کننده، به رویه اصلی سیاست‌گذاری عمومی دولت‌ها در مواجهه با بحران‌های اقلیمی و زیست‌محیطی بدل شده است. در غیاب هر گونه استراتژی کلان یا برنامه‌ریزی بلندمدت، آنچه به چشم می‌خورد، انتقال بار بحران از دوش حاکمیت به دوش مردم است. مردمی که قرار است هم مصرف‌شان را کاهش دهند، هم در گرما و بی‌آبی دوام بیاورند و هم بابت این بی‌تدبیری‌ها هزینه بالاتری را هم بپردازند و در عین حال سیاست‌گذار هم باشند.

تعطیلی اول مرداد در تهران، آن‌طور که سخنگوی دولت در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت، فرصتی برای «سفر، استراحت و با خانواده بودن» معرفی شد. اما زیر پوست این جمله اعتراف تلخی نهفته است. یعنی ای مردم! هیچ راه‌حلی جز تعطیلی نداریم. این بار نه به خاطر آلودگی هوا که آن هم به زودی از راه می‌رسد، نه به خاطر اشعه فرابنفش که تا چهارشنبه قرار است دمار از دودمان تهرانی‌ها در آورد، بلکه برای صرفه‌جویی در مصرف آب و برق.

این یعنی در مواجهه با پیامدهای سنگین تغییر اقلیم، گرمایش زمین و خشکسالی شدید، دولت‌ها نه برنامه‌ای برای اصلاح الگوی تولید و توزیع انرژی دارند، نه طرحی برای نوسازی شبکه فرسوده آبرسانی و نه عزمی برای مقابله با بحران بلندمدت کم‌آبی. یعنی سیاست‌گذار به رفتار مصرف‌کننده» است. یعنی سیاست‌گذار به نهادها، ساختارها و سیاست‌ها نگاه نمی‌کند، بلکه تقصیر را مستقیماً متوجه مصرف‌کننده می‌داند. مسعود پزشکیان بارها در سخنان خود به اشتباه مردم را مقصر اصلی مصرف معرفی کرده است.

از این رو برای کاهش مصرف آب، آب شرب را قطع می‌کنند، برای رفع ناترازی برق، برق را قطع می‌کنند، برای آلودگی هوا، تعطیل می‌کنند، اما برای بازنگری در نظام ناکارآمد آبیاری کشاورزی، افزایش تولید برق به شیوه‌های نونین، تولید خودروهای باکیفی و

گزارش

«اول دیپلماسی»؛ گرانیگاه مطالبات مردمی



بازبینی این روند نشان می‌دهد انتخاب مذاکره با دولتی که بر جام را پاره کرد و فرمان ترور سردار سلیمانی را داد، نه ساده‌لوحی، که تلاشی برای انتخاب ممکن بود که توانست مردم از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳، بارها و بارها به مسیر گفت‌وگو رای داده‌اند. این بار نیز گزاره دیپلماسی و جنگ تحمیلی آزمونی بود برای اینکه بدانیم: حرکت در مسیر مطالبات مردم، مخاطرات را به طرز معناداری کاهش می‌دهد. هزینة جنگ بالاست، اما هزینه جنگی که بدون تفاوت این دو را باید در پیامدهای پس از جنگ دوازده‌روزه دید، جایی که آرامش نسبی، در شرایطی که قصد اسرائیل فروپاشی داخلی بود، به گرانیگاه سیاسی ایران تبدیل شد.

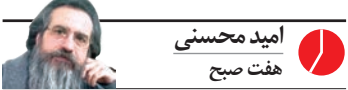
مسالمت‌آمیز تنش‌ها. رای مردم به پزشکیان در شرایطی که مشارکت در انتخابات در دوره‌های قبل، با کاهش معناداری روبه‌رو شده بود یک مفهوم مهم داشت: «بازگشت به گفت‌وگو». کناره‌گیری از این مسیر و رفتن به‌سوی جنگی که در غیاب مذاکره هم احتمال وقوعش زیاد بود، به سرخوردگی اجتماعی گسترده‌ای منجر می‌شد و حالا شاید این سوال برجسته مطرح بود که چرا ایران گزینه دیپلماسی را امتحان نکرد؟ وقتی حمله اتفاق افتاد، مردم سوبیه دوم خواسته‌شان را فعال کردند و تاب‌آوری در وضعیت جنگی به نمایش گذاشته شد. دفاع از وطن نه فقط از وطن‌دوستی تاریخی، که از مشروعیت سیاسی-اجتماعی تصمیمی برآمد که مردم در انتخابات به آن رای دادند و ریشه‌ای قوی در نگرش طیف بزرگی از مردم ایران دارد.

ترامپ، به‌رغم فشارهای ناتانیاهو، ترجیح می‌دهد از توافق با ایران به عنوان یک دستاورد سیاسی استفاده کند؛ خصوصاً در شرایطی که در غزه و اوکراین نیز توفیقی نداشته است اما در سوی دیگر، همین تمایل به مذاکره، ابزاری برای توجیه فشار نظامی علیه ایران در افکار عمومی آمریکا و جهان بود. تاکتیک ترامپ مبتنی بر «اول دیپلماسی، بعد جنگ» طراحی شد تا از طریق زمان‌بندی‌های مبهم، فشارسازی رسانه‌ای و تهدیدهای مکرر، نوعی آمادگی ذهنی برای جنگ در جامعه آمریکا ایجاد کند.

تکرار خسته‌کننده جملاتی مثل «ایران می‌خواهد توافق کند، امیدواریم مجبور به بمباران نباشیم» شاید در نگاه اول نشان از بی‌عملی باشد اما زیر این شعارها، نوعی زمینه‌سازی برای حمله وجود داشت؛ ارائه چهره‌ای از ترامپ به‌عنوان فردی صلح‌طلب که ناگزیر به جنگ شده است. این روش او را نه به‌عنوان یک متجاوز، بلکه به‌عنوان یک ناجی در برابر ادعای تهدید سلاح هسته‌ای ایران معرفی می‌کرد. در این شرایط ترک میز مذاکره از طرف ایران می‌توانست به این سیاست آمریکایی-اسرائیلی دامن بزند.

در این سو، ایران نیز با درک این بازی پیچیده، مسیر خود را میان دیپلماسی و آمادگی نظامی تنظیم کرد. اگر فرض بگیریم که حمله از پیش طراحی شده بود، این پرسش مهم‌تر می‌شود: آیا ترک مذاکره می‌توانست بازدارنده باشد؟ پاسخ واقع‌بینانه و سیاست‌ورزانه به این پرسش، دفاع از مذاکره است، چرا که ایالات متحده و اسرائیل به‌رغم همه اختلاف‌ها، در حمله به ایران به اشتراک استراتژیک رسیده بودند. اما موضوع برای تهران کمی متفاوت بود. ایران صرف‌نظر از مواجهه با بازیگران بین‌المللی و امکان ایجاد برش‌های سیاسی در جامعه بین‌الملل باید وزن مطالبات مردمی در هر اقدامی را در نظر می‌گرفت.

نباید فراموش کنیم که انتخاب مسعود پزشکیان به جای چهره‌هایی چون جلیلی، فقط پیام داخلی نداشت. در فضای انتخابات، حمایت چهره‌هایی مانند محمدجواد ظریف از او برای بسیاری یادآور ائتلاف اجتماعی-سیاسی سال‌های ۹۲ و ۹۶ بود؛ نشانه‌ای از تمایل مردم به گشایش، رفع تحریم‌ها و حل



امید محسنی

هفت صبح

در روزهای گذشته، فرصتی فراهم شد تا طیف‌های مختلف سیاسی و فکری از زاویه نگاه خود درباره عملکرد دولت چهاردهم در ماه‌های اخیر اظهار نظر کنند. پرسش‌هایی که پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل مطرح شده، ابعاد مهم و قابل تاملی دارند. شاید مهم‌ترین آنها این باشد که آیا رو بگرد ضد جنگ و دیپلماسی محور دولت، پیش از حمله اسرائیل و در جریان پنج دور مذاکره، اشتباهی تاکتیکی یا دور از آینده‌نگری بود؟ اگر ایران وارد مذاکرات نمی‌شد، آیا باز هم جنگ اجتناب‌ناپذیر بود؟

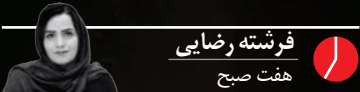
این پرسش‌ها نه تنها در میان مردم که در جناح‌های سیاسی نیز به‌طور جدی بررسی می‌شود. با این حال، فضای عمومی کشور و تحلیل‌های رسمی از وضعیت آتش‌بس، بیش از هر چیز بر «شکندگی» آن و آمادگی کامل کشور برای مواجهه با سناریوهای مختلف متمرکز است. یکی از محورهای مهم تحلیل‌ها، چرایی ورود به مذاکرات در شرایطی ست که پیش از ۲۳ خرداد و همزمان با دور ششم گفت‌وگوها نیز احتمال حمله نظامی وجود داشت. مخالفان مذاکره معتقدند میز گفت‌وگو، یک تله سیاسی بود برای کشاندن ایران به مسیری که در نهایت به جنگ ختم می‌شد. این استدلال، در نگاه اول منطقی به‌نظر می‌رسد. اگر جنگ محتمل است، مذاکره چه ضرورتی دارد؟

نگاهی به مسیر دیپلماسی ایران پس از روی کار آمدن ترامپ، نشان می‌دهد این دو گانه به سادگی قابل دآوری نیست. با وجود تمایل دولت و دستگاه دیپلماسی برای رسیدن به توافق با آمریکا، در مقاطعی مذاکره به‌طور کامل نفی شد. در ادامه، با میانجی‌گری برخی کشورها، میزهای گفت‌وگو در عمان و ایتالیا برقرار شدند تا طرفین، آزمونی سیاسی را از سر بگذرانند. حضور در طرف بر سر میز مذاکره و در نهایت آغاز یک جنگ تحمیلی دو پیام عمده به همراه داشت: بازی آمریکا با افکار عمومی و استفاده دولت ایران از فرصت اقناع داخلی. با آغاز مذاکرات به ابتکار ترامپ، چند سناریو محتمل بود. سناریوی اول تأکید داشت که



بیم‌و نگرانی‌های سرمایه‌گذاری‌های کوچک زیر سایه بی‌ثباتی اقتصادی

خرید و فروش «طلای دیجیتال» بیم‌ها و امیدها!



فرشته رضایی
هفت صبح

خود، طلای آب‌شده یا سکه‌های کوچک بخردند اما این روند که به نظر راهکاری برای حفظ ارزش دارایی‌هاست، چه تأثیری بر اقتصاد مردمی گذاشته و چه خطراتی برای سرمایه‌گذاران خرد به همراه دارد؟ داستان از جایی شروع شد که نوسانات نرخ ارز و افزایش قیمت طلا در بازار داخلی، سبب سرمایه‌گذاری خانوارهای ایرانی را تکان داد. براساس گزارش اتحادیه طلا و جواهر تهران، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار در روزهای پایانی هفته گذشته به بالای ۷ میلیون و ۷۸۰ هزار تومان رسید؛ رشدی ۰.۳۳ درصدی نسبت به هفته قبلی و سکه امامی نیز به قیمت بالای ۷۹ میلیون تومان معامله شد، در حالی که قیمت دلار در بازار آزاد هم نسبت به همین بازه زمانی در سال گذشته بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است.



براساس داده‌های سایت «بازار طلا»، حجم معاملات آنلاین طلا در نیمه اول سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵ درصد رشد داشته است

طلای دیجیتال: پناهگاه امن یا میدان ریسک؟
وقتی صحبت از خرید آنلاین طلا می‌شود، تصویر مردمی که با گوشی‌های هوشمندشان در حال بررسی قیمت لحظه‌ای طلا هستند، به ذهن می‌آید. پلتفرم‌های آنلاین طلا با ارائه امکان خرید طلای ۱۸ عیار بدون اجرت و با کارمزد کم، به سرعت در میان اقشار مختلف محبوب شده‌اند. براساس داده‌های سایت «بازار طلا»، حجم معاملات آنلاین طلا در نیمه اول سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵ درصد رشد داشته است. این رشد چشمگیر، به‌ویژه در میان نسل جوان و کسانی که سرمایه‌های کوچک دارند، نشان‌دهنده تغییر عمیق در الگوهای سرمایه‌گذاری است. این پلتفرم‌ها به مردم اجازه می‌دهند با مبالغی کمتر از یک میلیون تومان، حتی به اندازه یک سوت (یک هزارم گرم) طلا بخردند. این امکان، درهای سرمایه‌گذاری را به‌روی قشرهایی باز کرده که پیشتر به دلیل محدودیت‌های مالی، توان ورود به بازار طلا را نداشته‌اند. به گفته رضا الفت‌نسب رئیس اتحادیه کسب و کارهای مجازی، «حدود ۱۰ میلیون کاربر در پلتفرم‌های آنلاین طلا ثبت‌نام کرده‌اند اما بین ۱۰ تا ۱۵ درصد آنها الان یک‌بار خرید انجام داده‌اند و از این تعداد، نزدیک به ۱۰ درصد به‌صورت حضوری طلای خود را تحویل گرفته‌اند.» به گفته او، ممکن است در دام نوسانات کوتاه‌مدت بیفتند و با تصمیم‌گیری‌های احساساتی، سرمایه خود را از دست بدهند. علاوه بر این، خطر کلاهبرداری‌های آنلاین و پلتفرم‌های غیرمجاز نیز وجود دارد. اتحادیه طلا و جواهر تهران بارها هشدار داده که تنها از پلتفرم‌های دارای مجوز رسمی خرید کنید. از سوی دیگر، برخی کارشناسان معتقدند که خرید آنلاین طلا به دلیل شفافیت در قیمت‌گذاری و حذف واسطه‌ها، می‌تواند ریسک‌های سنتی بازار طلا را کاهش دهد. برای مثال، در برخی پلتفرم‌ها، قیمت طلای ۱۸ عیار به‌صورت لحظه‌ای اعلام می‌شود و کاربران می‌توانند بدون پرداخت اجرت ساخت، طلا بخرند. با این همه این بازار با خطرات متنوعی دست به‌گریبان است، از محدودیت‌های ناگهانی بانک مرکزی تا نوسانات غیرقابل پیش‌بینی بازار جهانی است و برای سرمایه‌گذاران خرد، این بازار هم فرصتی برای رشد است و هم میدانی پر از ریسک است و شاید بهترین توصیه، همان سخن قدیمی‌ها باشد: «آهسته و پیوسته اما با احتیاط قدم بردارید.»

از مسیرهایی چون درآمدهای غیرعملیاتی تأمین شده است. تنها درآمد ناشی از اجرای ضمانت‌نامه ZLT بیش از ۴۵۰ میلیارد تومان بوده که بابت فسخ یک‌طرفه قرارداد شناسایی شد و تکرارپذیر نیست.

این در حالی است که جمع کل درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی رایتل تنها اندکی بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان است؛ اختلاف این دو عدد به‌روشنی نشان می‌دهد که سایر اجزای این سرفصل (درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی) نه‌تنها کارآمد نبوده‌اند، بلکه با زیان‌هایی چون سود تسعیر ارز منفی، در عمل بار مالی هم ایجاد کرده‌اند. این موضوع ضعف ساختاری درآمدهای غیرعملیاتی شرکت و وابستگی ناپایدار آن به منابع غیراصلی و فروش بدون غیر (منابع درآمدی شرکت که خارج از فرآیند واقعی فروش کالا یا خدمات به مشتری (یعنی فروش به غیر) ایجاد می‌شوند) را آشکار می‌کند.

پشت پرده قصد واگذاری رایتل

با وجود تأمین مالی از مسیرهای غیراصلی، زیان انباشته ۸۹۷ میلیارد تومانی و بدهی سنگین ۵ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومانی (سال مالی ۱۴۰۲)، رایتل همچنان ناگزیر بخشی از هزینه‌های جاری خود را از محل بدهی‌سازی یا کمک‌های مالی سهامدار اصلی یعنی سازمان تأمین اجتماعی دست و پا می‌کند. ساختار عملیات عادی اپراتور سوم هرگز نتوانسته به سودآوری پایدار برسد و سود خالص ۵۴۲ میلیارد تومانی آن در برابر کوه بدهی‌ها ناچیز است.

در چنین شرایطی بحث واگذاری رایتل به بانک رفاه کارگران، به‌عنوان بانک وابسته به سازمان تأمین اجتماعی مطرح شده تا این اپراتور به‌زای بخشی از مطالبات سازمان به بانک منتقل شود و در مقابل، تأمین اجتماعی سهام صنعتی مرغوبی را که پیش‌تر بابت بدهی‌هایش به بانک رفاه انتقال داده بود، بازپس گیرد. با این وصف، حتی اگر رایتل به بانک رفاه برسد، با همین ساختار مالی شکننده منتقل می‌شود.

نبود شفافیت و فواید واگذاری

برای تأمین اجتماعی

با وجود اینکه بحث‌های واگذاری رایتل به بانک رفاه در گرفته است اما رایتل و شستا در پاسخ به هفت‌صحب اطلاعاتی ارائه ندادند. روابط عمومی رایتل از مطرح شدن این معامله اظهاربی‌خبری و روابط شستا کل واگذاری را تکذیب کرده‌ند. در این بین، روابط عمومی بانک رفاه با اشاره به مطرح شدن بحث واگذاری رایتل به این مجموعه و نه «صوب شدن» آن تأکید کرد که بانک رفاه از سرمایه‌گذاری در تکنولوژی خدمات، نسبت به سرمایه‌گذاری‌های غیرفناور استقبال می‌کند و رایتل در بین شرکت‌های فناور ار حجت دارد.

در مجموع، با توجه به منتشر شدن بحث‌های مطرح شده پیرامون واگذاری رایتل به بانک رفاه از سوی تأمین اجتماعی و شستا و تکذیب آن از سوی شستا، شفافیتی به چشم نمی‌خورد. هرچند، به نظر می‌رسد تأمین اجتماعی از این انتقال استقبال می‌کند. «حسن صادقی»، کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی در این مورد به هفت صبح گفت که رایتل برای بانک رفاه ابزار درآمدزایی، اطلاع‌رسانی و کمک به جذب سپرده‌های کوتاه مدت و بلند مدت است. او تأکید دارد که رایتل در دست تأمین اجتماعی نه توسعه پیدا می‌کند و نه تقویت می‌شود. صادقی افزود: «بازگشت سهام مرغوب در ازای رایتل به تأمین اجتماعی، به پشتوانه مالی برای سازمان تبدیل می‌شود.»

گزارش اختصاصی هفت صبح از سر نوشت رایتل؛ میان بدهی و بدهستان

اپراتور سوم پشت پرده معامله

رایتل در میانه بدهی‌های انباشته و وعده‌های سوخته، روی میز چانه‌زنی میان تأمین اجتماعی و بانک رفاه است



پیام عابدی
هفت صبح

این روزها از هر اهل اقتصادی بپرسید: «دولت و نهادهای کلان خصولتی بنگاه داران خوبی هستند؟» به احتمال فراوان سر را به نشانه «نه» به بالاتر از خط گردن می‌چرخاند و بساط حسرت می‌چیند. گاهی مدیران این شرکت‌ها، افسوس فرصت از دست رفته می‌خورند و در خفا دولت و منتصبان خصولتی خود را به تیغ نقد می‌نوازند. صنعت مخابرات هم کم از فرصت‌های سوخته بنگاه داری دولتی و شبه دولتی در سید خود نیچیده است.

این روزها، روایت غالب این صنعت حضور اپراتورهای سنگین وزن است که زمین و زمان را شاهد «کار بلدی» خود می‌گیرند و ناکارآمدی‌ها را به سوی تأمین کنندگان زیرساخت و وزارت ارتباطات پرت کنند؛ گویی که همیشه «دیگران» مقصرند و «ما» خوییم!

از نمایی دیگر اما، ناخوشی حال صنعت مقصران زیادی دارد و فرو کاستن کیفیت‌زدایی از سرعت وب، شبکه سلولار (موبایل) و خدمات دیجیتال ترکیبی و گرانی خدمات بر دست یک بازیگر، تحمیل سیاست زبانی «مغالطه» است.

رایتل گرفتار مغالطه و تعارف

در این بین، «اپراتور سوم» یا همان «رایتل» بیش از رقبای اول و دومش یعنی همراه اول و ایرنسل هم در مغالطه و هم در تعارف گرفتار آمده است. مغالطه «توسل به آینده» که بر مبنای آن مدیران شرکت وعده سودآوری را در آینده داده بودند و تعارف مشمول اصل ۴۴ بودن رایتل، مثنی نمونه‌ای خروار است. رایتل حال در صف واگذاری در آینده نشسته، گویی که آینده اینجا به حمل تابوت گذشته محکوم است. طبق تازه‌ترین خبر اختصاصی هفت صبح، اپراتور سوم به عنوان یکی از متعلقات سازمان تأمین اجتماعی، در جریان مذاکرات واگذاری به «بانک رفاه کارگران» از دیگر متعلقات سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفته است!

نمونه‌ای جدی برای مغالطه

فرکانس ۲۶۰۰ مگاهرتز، که روزی به عنوان برگ برنده رایتل در مزایده باند‌های نسل چهارم معرفی شد، حالا به نمادی از «فرصت‌های سوخته» بدل شده است. این باند، بی‌آنکه به خدمت توسعه درآید، سال‌ها یا معطل ماند یا اجاره رفت، بی‌آنکه ارزش واقعی آن در ترازنامه شرکت متجلی شود. در شرایطی که هر مگاهرتز باند فرکانسی می‌تواند ضریب افزایشی بر ارزش‌گذاری شرکت‌های مخابراتی باشد، باند ۲۶۰۰ برای رایتل نه مزیت رقابتی ساخت، نه سود پایدار آورد، نه اعتماد بازار جلب کرد. حالا در سکوتی پر معنا، همین باند به محل اختلاف با نهاد تنظیم‌گر بدل شده و تهدید بازپس‌گیری از سوی وزارت ارتباطات بر آن سایه افکنده است. داستان فرکانس ۱،۲۶۰۰ اگرچه در ظاهر یک پرونده فنی است، اما در باطن، سندی است بر یک مغالطه مزمن و با این تصور که با منابع بالقوه و شعار آینده‌نگری، می‌توان جای خالی راهبر و مدیریت را پر کرد.

مشکلات جدی رایتل

اما چه شد که بحث واگذاری این بنگاه مشمول اصل ۴۴ به جای خصوصی‌سازی قامت درون سازمانی‌سازی به خود گرفت؟ در پس واگذاری چه معاملاتی پنهان است؟ برای دست یافتن به پاسخ، باید اندکی به تاریخ ۱۴ ساله رایتل، سفر کنیم؛ اپراتور سوم به عنوان

۷

با وجود تأمین مالی از مسیرهای غیراصلی، زیان انباشته ۸۹۷ میلیارد تومانی و بدهی سنگین ۵ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومانی (سال مالی ۱۴۰۲)، رایتل همچنان ناگزیر بخشی از هزینه‌های جاری خود را از محل بدهی‌سازی یا کمک‌های مالی سهامدار اصلی یعنی سازمان تأمین اجتماعی تأمین می‌کند

نرفت. بر این پایه، سود شرکت به حدود ۶۰۴ درصد زیان انباشته آن می‌رسید این در حالی است که جمع بدهی‌های شرکت از ۵ هزار و ۵۹۹ میلیارد تومان فراتر رفته است؛ جمع بدهی اپراتور سوم و زیان انباشته آن به بیش از ۶ هزار و ۴۹۷ میلیارد و ۲۶۲ میلیون تومان می‌رسد که بیش از ۱۱.۸ برابر سود خالص شرکت است.

سودی که از دل عملیات نیامد

اما در این میان، یک نکته کلیدی را نباید از نظر دور داشت. سود خالص اعلام‌شده شرکت رایتل در سال ۱۴۰۲، برخلاف تصور اولیه، عمدتاً حاصل از عملیات اصلی نیست. بررسی دقیق صورت‌های مالی حسابرسی‌شده نشان می‌دهد که از مجموع ۵۴۲ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان سود خالص، تنها ۳۶۰ میلیارد و ۶۴۴ میلیون تومان آن از محل عملیات شرکت به دست آمده و حدود ۱۸۱ میلیارد و ۸۴۱ میلیون تومان، یعنی بیش از یک‌سوم کل سود، از محل درآمدهای غیرعملیاتی، مالی یا اتفاقی تأمین شده است. در همین روند و به بیان دیگر، از مجموع ۵۴۲ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان سود خالص شرکت رایتل در سال ۱۴۰۲، حدود ۶۶.۵ درصد از محل عملیات اصلی شرکت (یعنی فروش خدمات ارتباطی و دیتا) حاصل شده و ۳۳.۵ درصد باقی‌مانده از محل درآمدهای غیرعملیاتی و جانبی تأمین شده است. این نسبت قابل توجه نشان می‌دهد که اگرچه سود عملیاتی شرکت نسبت به سال‌های قبل بهبود یافته، اما همچنان بخش معناداری از سود خالص، خارج از بدنه اصلی کسب و کار و از محل منابع غیر تکرار شونده تأمین می‌شود.

گرفتار در زیان انباشته و بدهی

با این اوصاف بهبود نیست که سهم رایتل به حدود ۳ درصد بازار بیه‌یاند سبیا (اینترنت موبایل) و حدود ۴ درصد مشترکان فعال در میان اپراتورها می‌رسد. این مسیر صعب و دشوار موجب شد که در سال مالی ۱۴۰۲ (آخرین صورت مالی منتشره رایتل در کدال) میزان زیان انباشته شرکت به بیش از ۸۹۷ میلیارد تومان برسد، در حالی که سود خالص از ۵۴۲ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان فراتر

تأمین مالی از مسیرهای غیراصلی

بررسی صورت‌های مالی رایتل در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از منابع مالی شرکت نه از محل فروش خدمات، بلکه



واکاوی روابط رو به رشد چین و طالبان و نگرانی‌های غرب

آفتاب شرق در حکومت طالبان طلوع می‌کند

سفیر چین، از ایجاد دهلیز اقتصادی و ساخت جاده‌واخان در بدخشان خبر داد

حسین فاطمی
هفت صبح

پس از خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان در اوت ۲۰۲۱ و تسلط دوباره طالبان بر این کشور، روابط طالبان با قدرت‌های جهانی، به‌ویژه چین، وارد مرحله جدیدی شده‌است. چین به‌عنوان یکی از معهود کشورهای که پس از تسلط طالبان سفارت خود را در کابل فعال نگه داشت، به‌تدریج حضور سیاسی و اقتصادی خود را در افغانستان تقویت کرده‌است.

رد ادعاهای ترامپ برای حضور چین در پایگاه بگرام

روابط طالبان با پکن به اندازه‌ای پیش رفت که توجه دونالد ترامپ را به خود جلب کرد. امیرخان متقی، وزیر خارجه این‌ جریان (طالبان)، در واکنش به ادعاهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را «فاجعه‌بار»

<

چین با معافیت مالیاتی کالا‌های صادراتی افغانستان از دسامبر ۲۰۲۵، در صدد افزایش صادرات این کشور از ۱۱،۵ به ۲۵ درصد است. پروژه‌هایی مانند جاده‌واخان و دهلیز اقتصادی از طریق تاجیکستان نیز در حال پیگیری است. این اقدامات، همراه با قرار دادهای استخراج معادن، چین را به شریک اقتصادی کلیدی طالبان تبدیل کرده و به طالبان کمک می‌کند تا در فقدان مشروعیت جهانی، از نظر اقتصادی تقویت شوند.

<

خروج نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان در ۲۰۲۱، خلأ قدرتی ایجاد کرد که چین در حال پر کردن آن است. اظهارات ترامپ درباره پایگاه بگرام و نگرانی از نفوذ چین، نشان‌دهنده ترس آمریکا از کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی خود در منطقه‌است.

وقتی پوتین میزبان علی لاریجانی می‌شود

انگیزه‌های مسکو، دغدغه‌های تهران و نگرانی‌های واشنگتن

احتیاط تاریخی روسیه در مسائل مربوط به اسرائیل و روابطش با آمریکا، محدودیت‌هایی را برای همکاری ایران و روسیه ایجاد می‌کند

گروه سیاسی | دیدار اخیر علی لاریجانی، مشاور ارشد رهبر

انقلاب اسلامی و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در کاخ کرملین، یار دیگر نقش محوری مسکو در معادلات منطقه‌ای و پرونده هسته‌ای ایران را بر جسته کرد. این دیدار که به گفته دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، با تمرکز بر اوضاع خاورمیانه و برنامه هسته‌ای ایران انجام شد، در بزرگه حساسی از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بر گزار شده است. دیدار لاریجانی و پوتین در شرایطی انجام شد که ایران تحت فشارهای فزاینده بین‌المللی قرار دارد. تقویت روابط تهران و مسکو، به‌ویژه در حوزه‌های دیپلماتیک و نظامی، می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای مقابله با این فشارها عمل کند. با این حال، احتیاط تاریخی روسیه در مسائل مربوط به اسرائیل و روابطش با آمریکا، محدودیت‌هایی را برای این همکاری ایجاد می‌کند. ایران با آگاهی از این محدودیت‌ها، احتمالاً از این دیدار برای تبادال پیام‌های سیاسی و کسب حمایت دیپلماتیک در برابر تهدیدات غرب استفاده کرده است. این دیدار نه‌تنها نشان‌دهنده عمق روابط ایران و روسیه است، بلکه بر اهمیت دیپلماسی فعال تهران در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد.

میانجی‌گری روسیه در پرونده هسته‌ای ایران

یکی از محورهای کلیدی دیدار لاریجانی و پوتین، موضوع برنامه هسته‌ای ایران بود. به گزارش رسانه‌های روسی، پوتین بار دیگر بر حمایت مسکو از حل‌وفصل سیاسی این پرونده تأکید کرده‌است. این موضوع در حالی مطرح می‌شود که وب‌سایت آکسیوس ادعا کرد پوتین ایران را به

پذیرش «غنی‌سازی صفر درصد» ترغیب کرده، ادعایی که وزارت خارجه روسیه آن را تکذیب و تلاشی برای تشدید تنش‌ها توصیف کرد. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران نیز پیش‌تر اعلام کرده بود تهران توافق بدون حق غنی‌سازی را نمی‌پذیرد. این اختلاف دیدگاه نشان‌دهنده شکاف عمیق میان انتظارات غرب و موضع ایران است.

روسیه، به‌عنوان یکی از امضاکندگان برجام، بارها آمادگی خود را برای میانجی‌گری اعلام کرده اما اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر عدم نیاز به کمک مسکو، پیچیدگی‌های دیپلماتیک را نشان می‌دهد. این دیدار می‌تواند تلاشی از سوی تهران برای تقویت حمایت روسیه در برابر فشارهای غرب باشد، به‌ویژه در شرایطی که تهدید مکنیسم ماشه از سوی اروپا همچنان پابرجاست.

تشدید تنش‌های منطقه‌ای پس از جنگ ۱۲روزه

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و حملات بعدی اسرائیل به سوریه، خاورمیانه را در وضعیت شکننده‌ای قرار داده‌است. لاریجانی و پوتین احتمالاً در این دیدار به بررسی راه‌های کاهش تنش‌های منطقه‌ای پرداخته‌اند. حملات اسرائیل به سوریه که به بهانه حمایت از دروزی‌ها انجام شد، نگرانی‌هایی درباره اهداف ژئوپلیتیکی تل‌آویو ایجاد کرده‌است.

این حملات که با فشارهای ترکیه، عربستان و آمریکا متوقف شد، نشان‌دهنده تغییر استراتژی اسرائیل به سمت تجاوزات هدفمند است که می‌تواند به درگیری مجدد با ایران منجر شود. از این رو، مذاکرات ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، از جمله روسیه، برای مدیریت این بحران



خشک، صنایع دستی، قالی، جلفوزه و زعفران است.

❖ **پروژه‌های زیرساختی و دهلیزهای جدید** چین و طالبان در حال برنامه‌ریزی برای گشایش مسیرهای جدید اقتصادی هستند. سفیر چین از برنامه‌ریزی برای ایجاد دهلیز اقتصادی از طریق تاجیکستان و همچنین ادامه تلاش‌ها برای ساخت جاده‌واخان در بدخشان خبر داده‌است. این جاده ۵۰ کیلومتری، افغانستان را به ایالت سین‌کیانگ چین متصل خواهد کرد. این پروژه نشان‌دهنده تغییر رویکرد چین در قبال نگرانی‌های امنیتی گذشته، به‌ویژه در مورد فعالیت شبه‌نظامیان اویغور در افغانستان است. به نظر می‌رسد طالبان توانسته‌اند تضمین‌های لازم را به چین ارائه دهند تا این کشور با اطمینان بیشتری به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های افغانستان بپردازد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد روابط اقتصادی چین و طالبان، قراردادهای کلان استخراج معادن است. چین پس از تسلط طالبان، قراردادهای بزرگی برای بهره‌برداری از منابع معدنی افغانستان امضا کرده‌است. این منابع که شامل سنگ تالک و دیگر مواد معدنی با ارزش است، به چین امکان می‌دهد تا نفوذ اقتصادی خود را در منطقه گسترش دهد. این قرارداده‌ها نه‌تنها برای طالبان منبع درآمدی حیاتی هستند، بلکه به چین کمک می‌کنند تا دسترسی خود به منابع طبیعی استراتژیک را تضمین کنند.

❖ **چین به‌عنوان شریک استراتژیک طالبان** چین از معدود کشورهایی بود که پس از تسلط طالبان، سفارت خود را در کابل فعال نگه داشت. در گام‌های بعدی، چین سفیر رسمی به کابل اعزام کرد و ششی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در اقدامی

در هاله‌ای از ابهام قرار داده‌است. عراقچی تأکید کرده که‌این مکانیسم فاقد مبنای حقوقی است اما فشارهای اروپا و آمریکا برای توقف کامل غنی‌سازی ادامه دارد. دیدار لاریجانی با پوتین می‌تواند تلاشی برای هماهنگی با روسیه در برابر این فشارها باشد، به‌ویژه که شکاف میان روسیه و اروپا می‌تواند به فصل مشترکی برای دیپلماسی تهران و مسکو تبدیل شود. پوتین در این دیدار بر حل دیپلماتیک بحران حمایت کرده اما اظهارات متناقض مقامات غربی، از جمله هشدار وزیر خارجه آلمان درباره بازگشت تحریم‌ها، مذاکرات را پیچیده‌تر کرده‌است.



شناسه آگهی: ۱۹۶۹۱۷۹	نوبت اول
آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای	
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقدام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تعیین نماید:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۹۰۷۲۲۲۰۰۰۰۳۷
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای RK-۲۰۲۴۸-۲۱۲۵ مناقصه شماره RT-۰۰۳۲/۰۵۱
موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید تجهیزات شبکه سیستم کنترل
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	مبلغ بر آورده مناقصه ۱۶/۲۴۵۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق این نامه تضمین شماره ۱۲۳۴/۰۱۲۳۴۰۰۵۰۶۵۰۵۰۶۲۲ هیات وزیران می باشد.
مبلغ بر آورده مناقصه	۲۴۵/۳۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد از وبی گیتی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بازگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد	طرف مدت دو هفته پس از اتمامی مهلت در یافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بازگذاری پیشنهادهای فنی/ مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - پلايشگاه دوم - ساختمان مدیریت پلايشگاه دوم
بدیهی است کلیه فرایند برگزاری مناقبه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند. مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGR.IR یا شماره تلفن‌های۲۲۴۶-۰۷۲۲۱۲۱۲۲۴۸-۰۷۲۲ تماس حاصل فرمایند.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی	

پیامدهای ژئوپلیتیکی

تقویت روابط چین و طالبان، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، می‌تواند به کاهش نفوذ غرب در آسیای مرکزی منجر شود. چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد مسیرهای تجاری جدید، در حال تبدیل شدن به شریک اصلی طالبان است. این موضوع برای آمریکا و متحدانش که نگران گسترش نفوذ چین در منطقه هستند، یک تهدید استراتژیک محسوب می‌شود. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که روابط رو به گسترش چین و طالبان، از قراردادهای اقتصادی کلان تا تعاملات سیاسی عمیق، نشان‌دهنده رویکرد عمل‌گرایانه چین در قبال افغانستان است. طالبان که همچنان از سوی بسیاری از کشورهای جهان به رسمیت شناخته نشده، چین را به‌عنوان شریکی کلیدی برای تقویت جایگاه خود در عرصه بین‌المللی می‌بیند. در مقابل، غرب، به‌ویژه آمریکا، با نگرانی به این تحولات نگاه می‌کند و از پر شدن خلأ قدرت در افغانستان توسط چین و متحدانش، مانند روسیه، احساس خطر می‌کند.

این تحولات نه‌تنها بر آینده سیاسی و اقتصادی افغانستان تأثیر خواهد گذاشت، بلکه می‌تواند موازنه قدرت در منطقه را تغییر دهد. برای کشورهای غربی، یافتن راهی برای تعامل با طالبان بدون به خطر انداختن ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری، به چالشی بزرگ تبدیل شده‌است. در عین حال، چین با ادامه سیاست «تعامل به‌جای انزوا» در حال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در آینده افغانستان است.

بی‌سابقه، اعتبارنامه سفیر طالبان را در کنار سفرای سایر کشورها پذیرفت. این اقدامات، اگرچه به‌صورت رسمی به معنای به‌رسمیت‌شناختن طالبان نیست اما از نسوی این گروه به‌عنوان گامی در این جهت تعبیر شده‌است.

مائو تینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین، با تأکید بر اینکه «افغانستان نباید از جهان منزوی شود»، از گسترش تعاملات این کشور با طالبان و حمایت از گفتگوهای بین‌المللی برای بازسازی افغانستان خبر داد. این موضع چین که بر پرهیز از انزوای طالبان تأکید دارد، در تضاد با رویکرد محتاطانه کشورهای غربی قرار می‌گیرد که همچنان از به‌رسمیت شناختن طالبان خودداری می‌کنند. چین با تعمیق دیدار اخیر امیرخان متقی با ژائو جائو، معاون دبیر کل ایالت سین‌کیانگ، نشان‌دهنده تمرکز چین بر تقویت روابط با طالبان برای مهار تهدیدات امنیتی، به‌ویژه فعالیت جدایی‌طلبان اویغور است. چین با تعمیق قراردهای کلان استخراج معادن است. چین پس از تسلط طالبان، قراردادهای بزرگی برای بهره‌برداری از منابع معدنی افغانستان امضا کرده‌است. این منابع که شامل سنگ تالک و دیگر مواد معدنی با ارزش است، به چین امکان می‌دهد تا نفوذ اقتصادی خود را در منطقه گسترش دهد. این قرارداده‌ها نه‌تنها برای طالبان منبع درآمدی حیاتی هستند، بلکه به چین کمک می‌کنند تا دسترسی خود به منابع طبیعی استراتژیک را تضمین کنند.

پر شدن خلأ قدرت توسط چین

خروج نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان، خلأ قدرتی را در این کشور ایجاد کرد که چین به‌سرت در حال پر کردن آن است. کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، نگرانند که تقویت روابط چین و طالبان نه‌تنها به مشروعیت‌بخشی به طالبان منجر شود، بلکه جایگاه ژئوپلیتیکی غرب در منطقه را تضعیف کند.

در این بین، تصمیم روسیه به عنوان هم‌پیمان چین، در ۳ جولای ۲۰۲۵ برای به‌رسمیت شناختن رسمی طالبان و پذیرش سفیر این گروه در مسکو، به نگرانی‌های غرب افزوده‌است. این اقدام مسکو که با

گزارش

در پی افزایش فعالیت‌های دیپلماتیک، قاهره هم به مذاکرات هسته‌ای ایران ورود کرد

مصر، میانجی‌گری با تجربه باستانی

مصر در ماه‌های اخیر با افزایش تماس‌های دیپلماتیک خود، نقش محوری در میانجی‌گری برای حل بحران هسته‌ای ایران ایفا کرده‌است. این تلاش‌ها که به‌ویژه از سوی بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر، هدایت می‌شود، با هدف جلوگیری از تشدید تنش‌ها و تحکیم ثبات منطقه‌ای صورت گرفته‌است.

تلاش برای احیای دیپلماسی

بعد از جنگ اخیر، بدر عبدالعاطی در هفته‌های گذشته تماس‌های متعددی با طرف‌های کلیدی درگیر در پرونده هسته‌ای ایران برقرار کرده‌است. این تماس‌ها شامل گفت‌وگو با عباس عراقچی (وزیر امور خارجه ایران)، استیو ویتکوف (نماینده ویژه آمریکا)، رافائل گروسی (مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی)، و وزرای خارجه کشورهای اروپایی و عمان بوده‌است. بر اساس بیانیه‌های رسمی وزارت خارجه مصر، این رایزنی‌ها به دستور رئیس‌جمهور عبدالفتاح السیسی و با هدف کاهش تنش‌ها و جلوگیری از درگیری‌های جدید در منطقه انجام شده‌است. عبدالعاطی در این تماس‌ها بر ضرورت راه‌حل‌های صلح‌آمیز تأکید کرده و اعلام داشته که هیچ راه‌حل نظامی برای بحران هسته‌ای ایران یا سایر چالش‌های منطقه‌ای وجود ندارد. این رویکرد نشان‌دهنده تمایل مصر به ایفای نقش میانجی غیرمستقیم بین ایران و طرف‌های غربی است. مصر پیش‌تر نیز در مذاکرات غیرمستقیم بین حماس و اسرائیل نقش میانجی داشته‌است، اما ایفای نقش در پرونده هسته‌ای ایران در چهار دهه گذشته بی‌سابقه بوده‌است.

حفظ ثبات منطقه‌ای

به گفته کارشناسان، مصر به دنبال جلوگیری از وقوع یک جنگ منطقه‌ای است که می‌تواند پیامدهای منفی برای امنیت و اقتصاد منطقه داشته باشد. قاهره از روابط متوازن خود با همه طرف‌ها برای فعال‌سازی کانال‌های دیپلماتیک استفاده می‌کند. این تلاش‌ها به‌منظور جلوگیری از تنش نظامی با اسرائیل و تقویت ثبات منطقه‌ای صورت می‌گیرد. لذا تماس‌های متعدد مصر بخشی از اهداف گسترده‌تر قاهره برای تحقق آتش‌بس در غزه، بازسازی این منطقه و ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای است. به بیان دیگر مصر با این اقدامات به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی است. از نسوی دیگر برخی ناظران، نقش مصر را به‌عنوان میانجی غیرمستقیم به منافع مستقیم این کشور در منطقه مر تبط می‌دانند. جلوگیری از درگیری جدید با ایران نه‌تنها به ثبات منطقه کمک می‌کند، بلکه منافع اقتصادی مصر، از جمله افزایش تبادل گردشگری و قراردادهای نفتی بلندمدت با تهران را تقویت می‌کند. همچنین، بازگشت ثبات به منطقه می‌تواند تردد دربابی در کانال سوئز را به حالت عادی بازگرداند، که به دلیل تنش‌های اخیر دچار اختلال شده‌است.

تقویت جایگاه دیپلماتیک مصر

تلاش‌های مصر برای میانجی‌گری در پرونده هسته‌ای ایران می‌تواند جایگاه دیپلماتیک این کشور را در منطقه و جهان تقویت کند. قاهره با استفاده از روابط خوب خود با ایران، آمریکا، اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به دنبال ایجاد توازن در معادلات منطقه‌ای است. موفقیت در این نقش می‌تواند مصر را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در حل بحران‌های خاورمیانه معرفی کند. با وجود پیشرفت‌های دیپلماتیک، چالش‌هایی مانند تهدید کشورهای اروپایی به فعال‌سازی مکانیسم ماشه و اختلافات بین ایران و آمریکا بر سر غنی‌سازی اورانیوم همچنان باقی‌است. ایران تأکید دارد که برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و از حق غنی‌سازی صرف‌نظر نخواهد کرد، در حالی که آمریکا نگران نزدیک شدن ایران به آستانه تولید سلاح هسته‌ای است.



عشق در خط مقدم نزاع سیاسی

شکاف عمیق میان زنان و مردان نسل زد، روابط عاشقانه را به میدان تنش ایدئولوژیک بدل کرده است

نتایج نظرسنجی‌ها و روایت‌های شخصی نشان می‌دهد نسل جوان غربی بیش از هر زمان دیگری درگیر تنش‌های سیاسی در عرصه آشنایی و روابط عاطفی است؛ شکافی که اکنون حتی نخستین قرار ملاقات‌ها را به میدان داوری سیاسی بدل کرده است. برای مثال، وقتی کلی شیا، دانشجوی رشته سیاست بین‌الملل، برای نخستین‌بار با پسری در یک کافه قرار گذاشت، نمی‌دانست قرار است گفت‌وگویی ساده به نقطه پایان رابطه بدل شود.

کلی از او پرسید: «بحث‌برانگیزترین بورت چیست؟» مرد جوان لحظه‌ای مکث کرد و سپس پاسخ داد: «فکر می‌کنم همجنس‌گرایی اشتباه است.»

برای کلی که خود را به‌وضوح فردی با گرایش‌های چپ‌گرایانه می‌داند، همین جمله کافی بود تا خط قرمزی روشن در ذهنش بکشد. او می‌گوید: «اگر کسی در پروفایلش بنویسد محافظه‌کار است، من بدون تردید او را حذف می‌کنم. تفاوت دیدگاه تا حدی قابل پذیرش است اما وقتی پای حقوق بشر وسط باشد، نمی‌توان مصالحه کرد.»

شکاف سیاسی، مانعی تازه در عشق نسل زد، جوانان متولد میان اواخر دهه ۹۰ تا حدود



۲۰۱۲، در جهانی رشد یافته‌اند که سیاست، شبکه‌های اجتماعی و هویت فردی به‌شدت در هم تنیده شده‌اند. همین واقعیت، عرصه آشنایی و روابط عاشقانه را برای آنان پیچیده‌تر از نسل‌های گذشته کرده است. گزارش شبکه‌ان‌بی‌سی‌نیوز آمریکا در آوریل نشان می‌دهد ۵۳ درصد از زنان نسل زد خود را دموکرات می‌دانند، در حالی که تنها ۳۵ درصد از مردان این نسل چنین گرایشی دارند. در سوی دیگر، ۳۸ درصد از مردان جوان جمهوری خواه‌اند، در برابر تنها ۲۰ درصد از زنان.

این شکاف سیاسی که در هیچ گروه سنی آمریکایی دیگری به این شدت دیده نمی‌شود، اکنون به یکی از موانع عمده برای آشنایی‌های عاشقانه بدل شده است.

سیاست، پروفایل جدید دوست‌یابی در گذشته، بسیاری هنگام آشنایی سیاسی کاری را کنار می‌گذاشتند. اما حالا، سیاست یکی از اولین فیلترهاست. کاربران اپلیکیشن‌های دوست‌یابی با شبکه‌ای وابستگی حزبی یا دیدگاه سیاسی خود را اعلام می‌کنند، یا از ذکر آن طفره می‌روند تا از برخورد‌های احتمالی دور بمانند. بررسی داده‌های نظرسنجی مؤسسه پیو در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد

پایان یا آغاز گفت‌وگو؟ آ یا در دنیایی که سیاست به قلب روابط انسانی نفوذ کرده، آمیدی به آشتی وجود دارد؟ برخی از کارشناسان روابط معتقدند که رابطه میان افراد با دیدگاه‌های سیاسی متفاوت، ممکن است؛ به‌شرطی که ارزش‌های بنیادین مشترکی میان آن‌ها وجود داشته باشد. بیزو نیز به آینده‌امیدوار است و توصیه می‌کند نسل جوان، علی‌رغم تفاوت‌ها، ذهنی باز داشته باشد: «ما در آغاز راهیم، هنوز زندگی، شغل و روابطمان در حال شکل‌گیری است. شاید در نگاه نخست باورهای مان متفاوت باشد، اما گاهی همین تفاوت‌ها می‌تواند فرصتی برای یادگیری و ارتباطی عمیق‌تر باشد.»



فیلم «بارگشت به اکشن» با بازی درخشان جیمی فاکس و کامرون دیاز، عنوان پربیننده‌ترین فیلم تئاتلیکس در نیمه اول سال ۲۰۲۵ را از آن خود کرد. این اکشن-کمدی با ۱۶۵ میلیون بازدید، استقبال فوق‌العاده از این دو ستاره را به نمایش گذاشت. جیمی فاکس با انرژی و طنز همیشگی‌اش در نقش یک مأمور مخفی، در کنار کامرون دیاز که پس از سال‌ها به ژانر کمدی بازگشت، زوجی تماشایی خلق کردند. داستان پر هیجان فیلم، ملو از صحنه‌های اکشن نفس‌گیر و دیالوگ‌های طنز آمیز، مخاطبان جهانی را مجذوب خود کرد.

بنگه دنیا

وارثان تاج و تخت ترامپ

پیش‌بینی‌های انتخاباتی در بازار شرط‌بندی پلی‌مارکت از صعود چهره‌های تازه‌نفس و تغییر

در گفتمان سیاسی آمریکا حکایت دارد



بازارهای شرط‌بندی و پیش‌بینی که در سال‌های اخیر به یکی از ابزارهای قابل اتکای تحلیل سیاسی تبدیل شده‌اند، این بار نیز زودتر از هر موسسه نظرسنجی یا تحلیلگر رسمی، تصویر اولیه‌ای از معادلات انتخاباتی آینده ایالات متحده ارائه داده‌اند. پایگاه پلی‌مارکت که با تکیه بر الگوهای شرط‌بندی و تحلیل لحظه‌ای داده‌ها فعالیت می‌کند، در جدیدترین ارزیابی خود، چهره‌هایی را در موقعیت پیش‌ستاز نامزدی دو حزب معرفی کرده که حضور برخی از آنان، حکایت از دگرگونی‌های عمیق‌تری در فضای سیاسی این کشور دارد.

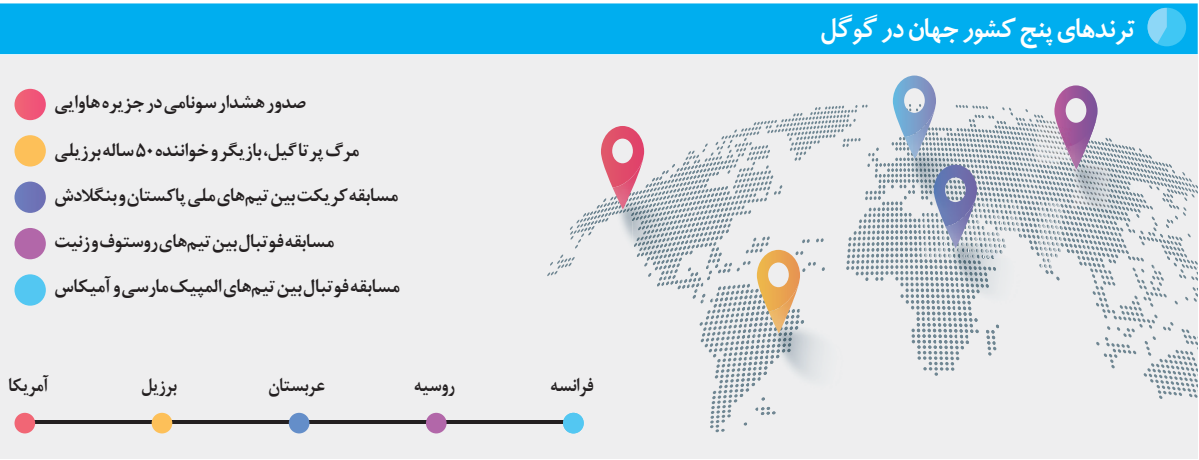
صف‌بندی دموکرات‌ها؛ نزاع قدیم و جدید در اردگاه دموکرات‌ها، کوین نیوسام، فرماندار به نسبت جوان ایالت کالیفرنیا، با ۲۱ درصد احتمال، پیش‌تاز این رقابت شناخته شده است. نیوسام که به عنوان چهره‌ای میانه‌رو و رویکردهای مرفقی شناخته می‌شود، در سال‌های اخیر در حوزه‌هایی چون کنترل اسلحه، محیط‌زیست، بهداشت عمومی و حقوق اقلیت‌ها کارنامه‌ای قابل دفاع از خود به جا گذاشته است. او هم‌زمان توانسته خود را در عرصه رسانه‌ای به عنوان گزین‌های قاطع در برابر جمهوری خواهان نشان دهد. امری که جایگاهش در این پیش‌بینی‌ها را تقویت کرده است. در رده دوم، نام الکساندریا اوکازو کورتز، نماینده جوان و بانفوذ مجلس نمایندگان از ایالت نیویورک، قرار دارد. حضور او با کسب ۱۷ درصد احتمال در این فهرست، به خودی خود بیانگر تحولی اساسی در بدنه حزب دموکرات است. اوکازو-کورتز که به جریان چپ‌گرا و به اصطلاح ترقی‌خواه حزب دموکرات تعلق دارد، نماینده نسلی جدید از رأی‌دهندگان است که خواستار اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی و اقتصادی آمریکا هستند؛ از جمله در حوزه‌هایی مانند بهداشت عمومی همگانی، آموزش رایگان، و مقابله با نابرابری نژادی و طبقاتی. تنفر شدید و متقابل او و ترامپ که هیچ‌یک از طرفین سعی و تلاشی برای پنهان کردن آن را هم ندانند، اوکازو کورتز را به یک چهره محبوب نزد جوانان حزب تبدیل کرده است. پیت بوتیچ، وزیر کنونی حمل‌ونقل و یکی از نامزدهای شاخص انتخابات مقدماتی ۲۰۲۰، نیز با ۱۳ درصد احتمال در جایگاه سوم قرار دارد. بوتیچ با تلفیقی از جوانی، پیشینه نظامی و رویکردی عمل‌گرایانه، مورد

توجه رأی‌دهندگان میانه‌رو و طبقه متوسط شهری است. البته اینکه او به‌طور آشکار همجنسگراست و حتی به‌طور رسمی با یک مرد ازدواج کرده، سبب شده تا برخی درباره احتمال موفقیت او تردید داشته باشند. در رده‌های بعدی، چهره‌هایی چون جاش شاپیرو، فرماندار پنسیلوانیا، وس مور، فرماندار مریلند و کامالا هریس دیده می‌شوند که هر سه حدود ۵ تا ۷ درصد شانس دارند. سقوط قابل توجه هریس که زمانی در جایگاه جانشین طبیعی بایدن قرار داشت، نشان‌دهنده ناکامی او در بهره‌برداری از موقعیت معاونت پیشین ریاست جمهوری برای تثبیت جایگاه سیاسی خود است.

وضعیت جمهوری خواهان؛ پس‌اترامپ یا ترامپیسم‌نوی؟ در این فهرست، به خودی خود بیانگر تحولی اساسی داده‌های پلی‌مارکت نشان می‌دهد که پس از ترامپ، جی‌دی ونس، سناتور ایالت اوهایو و معاون ریاست جمهوری او، با فاصله‌ای چشمگیر در جایگاه نخست قرار دارد. ونس که روزگاری از منتقدان ترامپ بود، در سال‌های اخیر به یکی از وفادارترین متحدان او بدل شده و در دوران دوم ریاست جمهوری ترامپ نیز با نقشی پررنگ در دولت، موقعیتی ممتاز برای جانشینی یافته است. صعود او در این پیش‌بینی‌ها، بازتابی از گرایش غالب بدنه جمهوری خواه به تداوم گفتمان ناسیونالیستی، ضدنخبگان و محافظه‌کارانه‌ای است که ترامپ پایه‌گذار آن بود. مارکو روبیو، وزیر خارجه دولت دوم ترامپ و سناتور با سابقه اهل فلوریدا، ۷ تا ۶ درصد احتمال دارد. جایگاه دوم قرار دارد. روبیو نماینده گرایش محافظه‌کار سنتی در حزب

جمهوری خواه است و تلاش دارد میان ارزش‌های کلاسیک حزب و رویکردهای نوین نوعی تعادل برقرار کند. در رده‌های بعدی، چهره‌هایی چون ران دیسانتیس، فرماندار فلوریدا، نیکلی هیلی، سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل و دونالد ترامپ جونیور، پسر رئیس‌جمهور، با شانس‌هایی محدودتر دیده می‌شوند؛ هر چند حمایت بخشی از پایگاه اجتماعی حزب از آنها همچنان پابرجاست.

بازآرایی گفتمان‌ها در سیاست آمریکا ظهور چهره‌هایی چون اوکازو-کورتز و ونس در میان نامزدهای جدی دو حزب، بیش از آنکه تنها نتیجه محبوبیت فردی باشد، گویای تغییراتی بنیادین در گفتمان سیاسی آمریکاست. در جناح چپ، نسل جوان و تحسین کرده‌ای که در دهه اخیر با بحران‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی دست به گریبان بوده، دیگر به وعده‌های محافظه‌کارانه یا اصلاح‌طلبی تدریجی رضایت نمی‌دهد. در مقابل، در جناح راست، بدنه اجتماعی که خود را قربانی جهانی‌شدن و نخبگان سیاسی می‌داند، همچنان به دنبال نسخه‌ای از «ترامپیسم» است، اما با چهره‌ای جدیدتر و ساختارمندتر. رقابت ریاست جمهوری ۲۰۲۸، تنها نبردی میان نام‌ها نیست، بلکه رویارویی دو جهان‌بینی متضاد درباره آینده آمریکاست. هر چند هنوز راهی دراز تا آغاز کارزارهای رسمی باقی مانده، اما آنچه امروز در بازارهای پیش‌بینی رخ می‌دهد، احتمالی جدی درباره صف‌آرایی نهایی است و اگر این نشانه‌ها را جدی بگیریم، باید گفت آینده سیاست آمریکا، هم به چالش کشیده و هم باز تعریف خواهد شد.



تهدید به قتل و استعفای استایلیست پدر و پاسکال جولیا راگولیا، طراح و مشاور مدر سرشناس اهل نیویورک که مجله «اسکوائر» از او با عنوان «تابه لباس مردانه» یاد می‌کند، به‌تازگی اعلام کرده به همکاری خود با پدر و پاسکال، ستاره پراوازه سریال «آخرین بازماندگان ما» پایان داده است. هر چند راگولیا به‌طور مستقیم درباره دلایل این تصمیم توضیحی نداد اما نشانه‌هایی از پشت‌پرده این جدایی تلخ در شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. در ماه‌های گذشته، برخی طرفداران دوآتشه پاسکال نسبت به استایل و پوشش او انتقاداتی تند مطرح کرده بودند. اوج این تنش‌ها به زمانی بازمی‌گردد که پاسکال با شلوارک در یک رویداد مربوط به مجموعه «جنگ ستارگان» در ژاپن حاضر شد. راگولیا در واکنش به پیام‌های خصمانه، در توییتهای لحنی تلخ نوشت: «یکی از شما به‌خاطر لباس پدر و حکم قتل من را صادر کرد!» او در پیامی دیگر یادآور شد که مسئولیت ظاهر نهایی یک سلبریتی، تصمیمی مشترک است و نه دیکتاتور مآبانه: «پدر مردی بالغ است. خودش انتخاب می‌کند چه بپوشد. ما تنها همکاری می‌کنیم، نه حکومت بر دیگری.» بااین حال، فشار سنگین فضای مجازی کار خود را کرد و اکنون، پدر و پاسکال همکاری جدیدی را با جیمی میزراهی، استایلیست پراوازه لس‌آنجلسی آغاز کرده است؛ کسی که سابقه کار با چهره‌هایی چون داکوتا جانسون، ادل و جرمی آلن وایت را در کارنامه دارد و حالا قرار است سبک تازه‌ای به ظاهر بازیگر محبوب «چهار شگفت‌انگیز» و «ادینگتون» ببخشد.

پروژه

مورنینگ استار انگلیس می‌گوید پلیس این کشور با هجوم به تظاهرات حامیان فلسطین و معترضان به جنایات اسرائیل در لندن، بیش از ۱۰۰ نفر را دستگیر کرد.

بیلد آلمان خبر داده که هم‌زمان با صعود تیم ملی فوتبال زنان آلمان به نیمه نهایی یورو ۲۰۲۵، تعداد بینندگان زنده این مسابقه برای اولین بار به بیش از ۱۰ میلیون نفر رسیده است.





نمایشگاهی در لندن که آب را به هویت امیدبخش خود باز گرداند

شبکه آبی ایران باستان، نمادی از امید و تمدن

می گیریم. در فضای نمایشگاه، روایت های محلی و مردمی ممکن است در ظاهر بسیار ساده و دم دستی به نظر برسند، یادداشت های پراکنده، اشیای کوچک و نوشته هایی جزئی اما هر کدام از آن ها به نحوی قابل لمس و همدلی برانگیزند. هدفم این بود که کنار آثار بزرگ، مفهومی و مبتنی بر داده های علمی یا باستان شناسی، داستان های انسانی و ملموس هم قرار بگیرند تا هر مخاطبی بتواند با بخشی از نمایشگاه ارتباط برقرار کند. ممکن است کسی از شنیدن این که رومی ها چگونه امپراتوری خود را بر سر روی باتلاقی ها بنا کردند شگفت زده نشود، اما شاید از دیدن پروژه های درباره کاشت درخت در حاشیه رودخانه، یا باغی جمعی در منطقه کینگز کراس الهام بگیرد.

تأثیر هنر، نباید نگران باشیم

«هنر چه نقشی در پیشبرد گفت وگوهای جهانی درباره بحران هایسی مانند تغییرات اقلیمی ایفا می کند؟»

هنر فقط مربوط به موزه ها و گالری ها نیست. هر یک از ما به عنوان شهروند جهانی، صدا و بستری برای تأثیرگذاری داریم. پس باید از آن استفاده کنیم. موضوع ساده است. شاید من نتوانم واکنشی برای مقابله با تب دنگی بسازم، اما در حیطه تأثیر خودم می توانم صدای دیگران را تقویت کنم. من این امتیاز را دارم که تصمیم بگیرم چه روایت هایی در یک فضای عمومی در لندن شنیده شود. من منابعی دارم تا از هنرمندی چون شریستا حمایت کنم. این دقیقاً شبیه کار ضبط صدای شاپلی است، با وجود آنکه روایاتش درناک اند، اما در عین حال زیبا نیز هستند. نباید بیش از حد نگران این باشیم که اثرگذاری مان چه شکلی دارد، بلکه باید صادقانه به نقش خود در جامعه وفادار بمانیم.

«تشنگی» بازاندیشی سبک زندگی

«دوست دارید بازدید کنندگان از نمایشگاه «تشنگی» یا چه احساسی نمایشگاه را ترک کنند؟»

امیدوارم بازدیدکنندگان پس از دیدن این نمایشگاه، با آگاهی بیشتری نسبت به رفتارهای خود، چه بزرگ و چه کوچک روبه رو شوند. روایت ها و مطالعات موردی مختلفی در نمایشگاه هست که نشان می دهد تغییرات اقلیمی چگونه پیامدهایی پنهان و غیرقابل پیش بینی به دنبال دارد. مثلاً آب شور در سیستم های شهری فرسوده می تواند به سقط جنین و مشکلات گسترده زنان منجر شود؛ یا برداشت بی رویه از منابع زیرزمینی، به تدریج باعث تغییر جرم زمین و انحراف محور آن می شود؛ در شهرها، ما اغلب رفتارهای کوچک و اشتباه را توجیه می کنیم. امیدوارم نمایشگاه «تشنگی» به ما نشان دهد که چقدر همه چیز به هم مرتبط است و ما را به بازاندیشی در سبک زندگی مان وادارد. در عین حال، می خواهم بازدیدکنندگان با حساسی از امید از نمایشگاه بیرون بروند. لذت حضور در آب، زیبایی گیاهان، بازی کودکان و همبستگی اجتماعی، همه این ها باید یادآور باشند که هنوز می توان زیست، امیدوار بود و ساخت.

روایت داستان همیشه تأثیرگذار است

«بحران آب کی و تغییرات اقلیمی از مهم ترین مسائل اضطراری در جهان امروز هستند، اما نمایشگاه شما در کنار این هشدارها، بر نوآوری ها و تاب آوری های محلی با محوریت جوامع مردمی هم تمرکز دارد. روایت این گونه داستان ها تا چه اندازه برایتان اهمیت داشت؟»

«مری رابینسون»، رئیس جمهور پیشین ایرلند در یکی از سخنرانی ها پیش گفت: «ما باید مردم را تکان بدهیم». بعضی ها با داده و آمار برانگیخته می شوند اما بسیاری از ما بیشتر تحت تأثیر داستان ها قرار

دارند. این دست آویز اما آنقدرها کارکرد عملی ندارد و جز خیال راحت، به یاری مان نمی آید.

نتیجه بی تدبیری مدیریت آب، نتیجه بی تصمیمی در مواجهه با بحران، نتیجه گرمایش زمین، نتیجه تغییرات اقلیمی، نتیجه خشک شدن آب های زیرزمینی، نتیجه کاهش فاجعه آمیز بارندگی، نتیجه از مدار خارج شدن سدها، تبعات سنگین بر شانه مانده ما خواهد بود. انگشت اتهامی که در پس هر کدام از اظهار نظر ها و تیترا ها سوی ما نشانه می روند و محرومیتی که برای حفظ نظام آبی بر ما تحمیل می شود؛ هیچ کدام با آگاهی از بی تدبیری قابل کنترل نیست.

در بحرانی ترین روز های ایران، در اندوه انگیز ترین دوران آبی در تهران، نمایشگاهی با محوریت آب، آن سوی کره زمین در لندن برگزار شده است. نمایشگاهی که از عنوانش بحران عالم گیر آبی می ریزد. «تشنه» در جستجوی آب شیرین» نام نمایشگاه موسسه «ولکام کالکشن» است که ۱۲۵ اثر را از هنرمندان مختلف و در طیف وسیع گسردآوری کرده تا این بار نمایشی دیگر از معضل جهانی آب به نمایش بگذارد. جنیس لی، کیوریتور «تشنه» در جستجوی آب شیرین»، نمایشگاه را رویدادی بزرگ در پیوند میان انسان و آب معرفی می کند. پیوندی که در ذات خود تلاش می کند تا تعبیر ناامیدکننده را به معنای امیدبخش آن برگرداند. هدف از کنار هم چیدن آثار هنرمندانی چون گیدئون مندل، کلونی دوو متیوز و سوزان شویلی که از تابلوهای نقاشی تا اشیای تاریخی را شامل می شود، رساندن یک پیام به گوش جهانیان است. «آب، زندگی است، معنایی میان امید و ناامیدی؛ نمی توان فقط به جنبه منفی یا مثبت آن نگاه کرد. آب را باید مثل زندگی چندوجهی دید. جنیس لی، امید دارد که نتیجه این نمایشگاه تغییر رویکرد کلان جهان نسبت به آن باشد. این کیوریتور امید دارد بحران های اقلیمی و آب را بتوان باامید حل کرد.

مجله «آ. استتیکا»، Aesthetica سرراغ «جنیس لی» رفته تا از انگیزه و پیام برگزاری این نمایشگاه از او بپرسد.

سفری از ایران باستان، تمدنی که جهان را

فتح کرد «تشنگی» مفهومی است که از دل تاریخ و فرهنگ های گوناگون گذشته و از میان سرزمین هایی چون میان رودان باستان تا لندن عصر ویکتوری عبور کرده و امروز به نیال و سنگاپور رسیده.

من از ایران باستان شروع کردم، با ناگهی به تاریخ قنات؛ سامانه ای زیرزمینی برای انتقال آب که خاستگاهش به خوزستان بازمی گردد. نخستین استفاده ثبت شده از قنات به حدود سه هزار سال پیش برمی گردد. پژوهشگران، مهندسان و معماران ایرانی تحقیقات زیادی درباره گستره شبکه قنات انجام داده اند. شبکه ای که سراسر کشور را دربردریده، از دل کویر گذشته و در بستر فرهنگ های گوناگون تکامل یافته است. آن ها همچنین بررسی کرده اند که چگونه سامانه های مشابهی از طریق گسترش امپراتوری مغول و سپس نفوذ اسلام، به جنوب آسیا، شمال آفریقا، بخش هایی از اسپانیا و جنوب ایتالیا راه یافته اند. برای شگفت انگیز در مناطق گوناگون باشد. درواقع، مفهوم «تشنگی» از همین علاقه به ایده ای شکل گرفت که توانست مرزهای زمان و جغرافیا را پشت سر بگذارد.

نوشتن شادی و امید، تا یادم نرود

«همان طور که نمایشگاه به طرز تأثیرگذار نشان می دهد، آب شیرین هم زمان سرچشمه زندگی و زمینه ساز منازعه است. در مواجهه با این دوگانه، چطور می توان میان امید و بحران توازن برقرار کرد؟»

چه در روند پژوهش هایم و چه از خلال پیگیری اخبار روز، متوجه شدم که داستان های تلخ و نگران کننده بسیار بیشتر از خبرهای خوب هستند. ما مدام در معرض گزارش هایی از فجایع، بحران ها و تنش ها قرار می گیریم. به همین دلیل، روی تخته الهام بخش نمایشگاهم یک یادداشت بزرگ چسباندم که روی آن نوشته بودم «شادی» و «امید». این یادآوری برای خودم بود که در روایت این داستان، نباید از این جنبه ها غافل شوم. امید وجود دارد، چون چرخه آب ادامه دار است. ممکن است شسته شود و از بین برود، اما دوباره باز خواهد گشت. باید به یاد داشته باشیم که خود آب



داستان تحول آب

از تمدن سازی تا مایه نگرانی



عسل آذریپور
دبیر فرهنگ و هنر

حالا سال هاست سران کشورهای گوناگون جهان به دنبال حل معضل گرمایش زمین و بحران آبی هستند. حاصل این جلسات برای دولت ها، اما نتایج عملیاتی اندک است که زمین را نجات ندادند، برای مردم زمین اما تیترا های پرتنشی است که بحران را در ابعاد وسیعی به ما نشان می دهند.

دست آویزها، انگشت اتهام و محرومیت

راز این بین نمی برند همان قدر که این بحران از غرب تا شرق زمین، از شمال تا جنوب آن متفاوت است؛ تنش حاصل از آن هم از غرب تا شرق، از شمال تا جنوب به مقیاس گوناگونی فاجعه بار است. بی تدبیری ها و منفعت طلبی های سیاسی قدرت های جهان که تنها نمایشی از تصمیمات سازنده و در واقعیت بی فایده اند، تبعات بحران را بر شانه مردمی می اندازد که نقش کمتری در ایجاد یا ادامه معضلات دارند. حتی این تبعات

تأفاجعه از رغوانی مایل به سیاه، فاصله ای نیست

هنوز ماه اول تابستان به پایان نرسیده، ذخایر آبی تمام شده اند. خبر پنجمین سال خشک ایران که پیش از شروع تابستان آمد، جزو عادات مان بوده، اما خبر از عادت ما فراتر رفته و زنگ بحران فاجعه آب نواخته شد. یک ماه اخیر هر گوشه را نگاه کنید، حرف از آب است؛ این بار فاجعه ای به رنگ ارغوانی مایل به سیاه. ما تا هشدار قرمز پیشینش را عادت داشتیم. «کسری ۵۰۰ میلیون مترمکعبی سدهای تهران»، «تنش آبی در ۲۴ استان»، «تهران آبی در پیشانی شهرهای پرتنش»، «پایتخت آب ندارد، سناریوی آخر الزمانی در انتظار تهران»، «تهران در آستانه بحران آب؛ فقط ۲۱ درصد سدهای تهران پر است»، «بخش آب در مناطق معدودی از تهران، آب هم صفی شد»، «پزشکیان؛ بحران آب جدی تر از صحبت های فعلی است»، «آب؛ کالای لوکس آینده؛ تا فاجعه فاصله ای نیست»، «وقتی آب را گروگان می گیرند».

تیتراهای پرتنشی که از جلسات سازمان ملل بیرون می آید بحران های محیط زیستی و در رأس آن مسئله «آب» حالا سال هاست تیترا اخبار جهان است. سال هاست از آب با قیید «بحران» نوشته می شود. حالا پنج دهه می شود سران کشورهای مختلف در جلسات سالانه محیط زیستی سازمان ملل به دنبال راهکاری برای برون رفت از بحران های محیط زیستی و نجات زمین اند.



[illegible]

گرو و آبورز - عهده‌داری امور
پ و رسته - آشیانه جغد - نوعی
گ
ف - فاصله - شماره ها و ارقام -
گی
بی ساعت قدیمی - جناح لشکر -
حمله برنده - تعداد آیات سوره کوثر
قدیم همدان - لوله تنفسی
نگیختن - بخشنده تر - ضخیم و
تخت ساسانیان - حبله گران - قوس
رنگین کمان
حد سطح - از الیاف مصنوعی -
و توان - علامت مفعولی
ایل ز ندگی - نوعی رنگ بنفش -
و و و و
ن سستی بر طرفدار - از شهرهای
آذربایجان شرقی - دست کم
سوره ۱۱ قرآن کریم - پایتخت
ند
بد ترکی - شهری در استان خراسان
چ و تن - امتحان و تجربه
ز بدن - یاقوت - بخار دهان
ایل ترکی - نزدیک به هم - از وسایل
کنده
ارمون - فیلمی از عباس کیارستمی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار

زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
مدیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور
مدیر ورزش: امید داگری نیا

مدیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
مدیر بین الملل: رامتین لطیفی
مدیر صفحه آخر: کیوان وارثی
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کیلی

هفت صبح

پژنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع وقابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۳:۲۴ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۴ | اذان ظهر: ۱۲:۱۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۶ | اذان مغرب: ۱۹:۳۶

دست نوشته‌های هشت شب

حماسه آلبرت شوایتزر

ایدا زمانی
هفت صبح



باد گرم عصر گاهی از دل جنگل‌های استوایی می‌وزید و برگ‌های پهن موز را به رقص در آورده بود. آلبرت، با روپوش ساده و چشمانی خسته از کلبه گلی بیرون آمد. دستی به پیشانی زد و نگاهی به آسمان انداخت. روزی دیگر گذشته بود اما در دلش آرامشی غریب موج می‌زد. شاید اگر کسی او را اینجا می‌دید هیچ گمان نمی‌کرد که این مرد زمانی ستاره تالارهای موسیقی اروپا بود.

آلبرت از همان کودکی با موسیقی و معنویت خو گرفت. وقتی بزرگ شد فلسفه خواند. الهیات آموخت و در دانشگاه سخنرانی می‌کرد. شب‌ها ارگ می‌نواخت و در دل نوت‌های باخ به پرسشی عمیق فکر می‌کرد؛ آیا این همه دانش و هنر اگر برای رنج دیگران کاری نکند ارزشی دارد؟ یک روز در نامه‌ای به دوستانش نوشت که تصمیم گرفته پزشکی بخواند. او در سنی سالگی و در اوج موفقیت کاری، گفت که نمی‌خواهد فقط حرف بزند؛ می‌خواهد عمل کند.

چند سال بعد با یک جعبه دارو و دلی‌پرا از امید راهی آفریقا شد. آلبرت شوایتزر و همسرش در دهکده‌ای در گابن،



بیمارستان لامبارنه از چوب و گل ساختند هر صبح پیش از آن که آفتاب از دل راه سنگین جنگل بیرون بیاید، شوایتزر در میان صف بیماران راه می‌رفت؛ زنانی با نوزادان تب‌دار، مردانی با زخم‌های کهنه و کودکانی که بی‌صدا گریه می‌کردند. خودش فشار خون می‌گرفت، زخم می‌یست. حتی اگر داروی نبود دستی گرم بر شانه‌های گذاشت.

خاطره نوشتاری

پنجشنبه ۲ آبان ۱۳۷۰



شاعران خوش بیان

هر چه از عمر من و تو در جهان کم می‌شود
صدق و اخلاص و وفای مردمان کم می‌شود
حقه بازی حيله سازی مکر و سالوس و ریا
بیشتر اما صداقت در زمان کم می‌شود
بنده‌ای بد نیستم اما نمی‌دانم چرا رزق من
از جانب روزی رسان کم می‌شود؟
در دکان نانوايي منع می‌گفت:
دوش نرخ نان افزون، ولی از وزن آن کم می‌شود
دایمی گردد اگر این جیره بندی بی‌گمان
رفته رفته از شمار میهمان کم می‌شود
خرج سرسام آور و کالاگران در این مِسیان
از درآمدهای هر پیر و جوان کم می‌شود
احتیاج بنده و سرکار در امر معاش
بیشتر باشد به هر چیزی همان کم می‌شود
هر چه از تعداد دزدان کم شود در این دیار
سود مردم بیشتر گردد، زبان کم می‌شود
ای پسر از مشق و درس خویش کوتاهی مکن
ور کنی از نمره‌های امتحان کم می‌شود
گر نباشد شیوه تشویق در شعر و ادب
از شمار شاعران خوش بیان کم می‌شود

سخن تصویری

طرح: کیوان وارثی



کار یکماتور

چون گلوله طاقت دوری تفنگ را نیاورد از میان برگشت.

پرویز شاپور

طراحان و آثار ماندگار

لوگوی ناسا؛ چرا بعد از ۱۷ سال برگشت؟



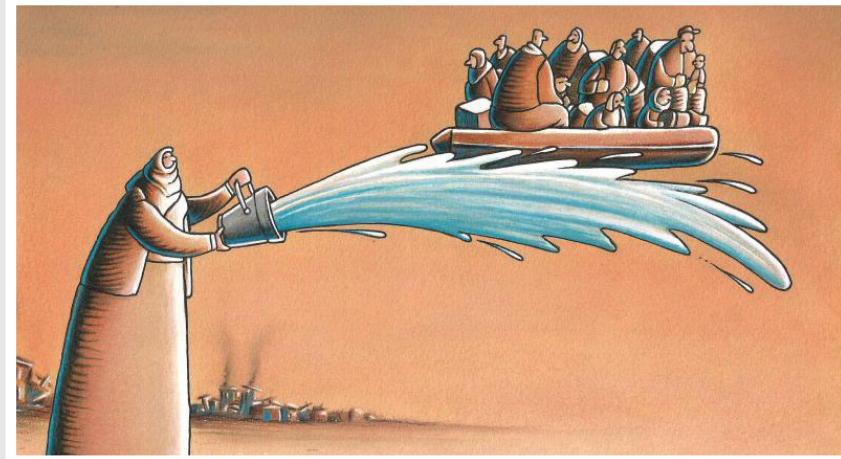
مریم پورادران
هفت صبح

بیشتر جنبه مدیریتی و نمادین داشت تا طراحی؛ مدیران وقت ناسا حس می‌کردند لوگوی سنتی قدیمی (Meatball) با عناصر کلاسیک فضایی‌اش، حسن غرور ملی و هویت تاریخی بیشتری دارد. در نتیجه، لوگوی Worm عملاً به فراموشی سپرده شد و تنها در آرشیو طراحان زنده ماند. اما سال ۲۰۳۰ نقطه بازگشت بود. ناسا در همکاری با اسپیس‌اکس، دوباره از Worm Logo برای پروژه‌های فضایی استفاده کرد. این بازگشت تنها نوستالژیک نبود؛ بازتابی از تغییر نگاه به آینده بود. نسل جدیدی از مهندسان، طراحان و فضانوردان حالا با زیبایی‌شناسی ساده، تخت و دیجیتال انس دارند. لوگویی که ۴۵ سال پیش طراحی شده بود، ناگهان دوباره معاصر شد. بازگشت Worm Logo یک پیام مهم دارد: طراحی خوب، اگر بر پایه ایده‌ای قوی و فرمی هوشمند باشد، نه تنها کهنه نمی‌شود، بلکه می‌تواند با گذشت زمان، معنای تازه‌ای پیدا کند. لوگوی ناسا ثابت کرد که گاهی ساده‌ترین طرح‌ها، ماندگارترین آن‌ها هستند.



تصویر فرهنگی

طرح: موسی گومش، کشور ترکیه



مرز پرگهر

غار کرفتو



آرشیا محلوچیان
هفت صبح

غار کرفتو آثار باستانی مربوط به ده‌هزار سال قبل از میلاد در ۷۰ کیلومتری شمال غرب شهر دیواندره در استان کردستان قرار گرفته است و جزو آثار صخره‌ای و طولانی‌ترین و مهم‌ترین غارهای تاریخی ایران مربوط به قرن سوم میلادی است. برخی قسمت‌ها نیز توسط انسان‌ها تغییر شکل داده شده‌اند و به همین دلیل بزرگ‌ترین غار دست‌کند ایران شناخته می‌شود. نگران نام غار نباشید، برای رسیدن به این غار نیازی به کوهپیمایی سخت‌ندارید بلکه باید از ۱۸۰ پله عبور کنید و این غار سرشار از پیچ و خم‌هایی است که هنوز هم همه مسیرها کشف نشده‌اند. در غار کرفتو دو بخش طبیعی و دست‌کند وجود دارد. بخش دست‌کند مربوط به حضور انسان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ است و به عنوان یکی از بی‌نظیرترین مدل‌های معماری محسوب می‌شود. این غار در سال ۱۳۱۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

با توجه به تحقیقات انجام شده و کتیبه‌های یافت شده در این غار به این نتیجه رسیده‌اند که سکونت و استفاده از فضای غار به دوره سلوکیان، اشکانی، ساسانی و اسلامی نسبت داده می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که آثار مربوط به سکونت در این غار به دوره پیش از تاریخ و اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسد. این غار به مدت هزار سال توقیف داشته است، اما با ری دیگر آغاز فعالیت به خود گرفته است. غار کرفتو دارای ۴ دوره سکونت است که عبارتند از پیش از تاریخ، اشکانی، ساسانی، اسلامی، البته در دوره‌های پیش از اسلام به عنوان مرکز برای نیایش استفاده می‌شده است ولی در دوره‌های اسلامی به عنوان سکونتگاه یا محلی برای دفاع مورد استفاده قرار گرفته است.

معماری غار کرفتو

در قسمت جلویی غار چهار طبقه معماری صخره‌ای و دست‌کند وجود دارند که در هر طبقه اتاق‌های تودر تودیا پنجره‌ها و نورگیرهایی ساخته شده‌اند. دالان‌ها و راهروهایی برای دسترسی به طبقات دیگر وجود دارند، همچنین پله‌های این غار از جنس سنگ ساخته شده‌اند. تعداد اتاق‌ها و راهروهای موجود در طبقات این غار به طور کامل مشخص نیست و مجموعه معماری بسیار گسترده‌ای دارد که در طی سال‌ها تخریب شده است. زیباترین بخش



آهکی است و ارتفاع دهانه ورودی از دامنه کوه به ۲۰ تا ۲۵ متر می‌رسد و با استفاده از پلکان فلزی قابل دسترسی است. داخل غار نیز انشعاب و راه‌های فرعی زیادی وجود دارد. برای ورود به برخی از بخش‌های طبیعی غار باید از دالان‌های کم‌عرض و کم ارتفاع عبور کنید و به دلیل وجود سقف و دیوارهای رنگی دارای منحنی‌ها و قوس‌های زیبایی است.

بخش دست‌کند: این قسمت از غار به صورت آپارتمانی ۴ طبقه است که با تراشیدن قسمت‌های مختلف غار چندین اتاق، راهرو و دالان ایجاد شده‌اند. به طور دقیق نمی‌توان تعداد دقیق راهروها و اتاق‌ها را دانست، اما می‌توان گفت حدوداً ۱۸ اتاق در بخش ورودی این غار وجود دارد. بخش دست‌کند غار کرفتو به خاطر معماری منحصر به فرد خود شهرت جهانی دارد و به عنوان یکی از بهترین مدل‌های معماری صخره‌ای در ایران شناخته می‌شود. از جمله ویژگی‌های خارق‌العاده معماری این بخش، ظرافت و دقت به کاررفته در تراشیدن و کنیدن اتاق‌ها از دل غار است. با شکل سقف‌ها که به صورت گمانی حجاری شده‌اند، ایجاد پنجره‌ها و نورگیر برای اتاق‌ها همگی نشان‌دهنده دقت و حوصله به کاررفته در ساخت این مجموعه است.

معماری غار نیز طبقه سوم آن است که در تراش و کنده کاری‌های اتاق‌ها و خالت خاص سقف‌ها با پنجره‌ها و نورگیرهای اتاق‌ها اهمیت خاصی دارند. در داخل غار هنوز هم آب وجود دارد و برای دیدن بعضی از جاها باید سوار قایق‌های کوچک شوید.

دلیل نامگذاری غار کرفتو

در مورد دلایل نامگذاری این غار بحث‌های مختلفی وجود دارد. این غار در میان اهالی با عنوان قلعه کرفتو یا قه‌لای کرفتو شهرت دارد. برخی نیز بیان می‌کنند کرفتو در اصل کرفتو بوده و در زبان کردی به معنی گرفته شده و فتح شده است؛ از طرفی دیگر نیز برخی تحقیقات نشان می‌دهد کرفتو از ترکیب دو بخش کرف یا کرفت به معنی ستایش و به معنای خورشید و گرم است، که ستایشگاه خورشید معنی می‌دهد.

بخش‌های مختلف غار کرفتو

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، غار کرفتو دارای دو بخش طبیعی و دست‌کند است که در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم:

بخش طبیعی:

حدود ۶۵ تا ۲۵۰ میلیون سال قبل هم‌زمان با دوره مزوزوئیک، غار کرفتو که در زیر آب پنهان شده بود، از درون آب بیرون می‌آید. غار کرفتو غاری